

## امام صادق علیه السلام و مرزبانی از دین

حجت الاسلام والمسلمین دکتر مصطفی آزادیان\*

### مقدمه

ائمه اطهار علیهم السلام همواره در صدد تبیین و تبلیغ اسلام و پاسخ به شبهات و انحرافات بودند. شرایط و ویژگی‌های متفاوت دوران زندگی این بزرگواران اقتضا می‌کرد که هر یک از آنان برای رسیدن به اهداف خود، رویکرد و شیوه‌ای متفاوت و متناسب با زمان خود اتخاذ کنند. برای مثال امیرالمؤمنین علی علیه السلام با سکوت و سپس پذیرفتن زمامداری مسلمانان کوشید دین را حفظ کند و بر عظمت آن بیفزایند و امام حسن مجتبی علیه السلام با صلح و امام حسین علیه السلام با شهادت تلاش نمودند از دین اسلام مرزبانی نمایند. ششمین پیشوای شیعیان جهان، امام صادق علیه السلام نیز با توجه به شرایط زمان، به مرزبانی و پاسداری از اسلام پرداخت و این امر بیشتر در قالب «فعالیت علمی و جهاد فرهنگی» شکل گرفت. این نوشتار می‌کوشد به این پرسش اصلی پاسخ دهد که امام صادق علیه السلام در قالب چه رویکرد و روشی، به مرزبانی از دین اسلام پرداخت؟

### ویژگی‌های عصر امام صادق علیه السلام

برای تبیین مرزبانی امام صادق علیه السلام از دین، باید با ویژگی‌های جامعه عصر امام صادق علیه السلام آشنا شویم؛ زیرا این امر در رویکرد امام علیه السلام نسبت به مرزبانی و نگهداری از دین نقش اساسی دارد. دوران زندگانی امام صادق علیه السلام دارای ویژگی‌های است که جهت رعایت اختصار به دو ویژگی اشاره می‌شود:

\* دکتری ادیان و عرفان و پژوهشگر.

## ۱. درگیری بنی‌امیه و بنی‌عباس

عصر امام صادق علیه السلام از نظر سیاسی - اجتماعی، عصری منحصر به فرد بود. درگیری میان بنی‌امیه و بنی‌عباس، از مهم‌ترین ویژگی‌های این دوران به شمار می‌آید. بنی‌امیه دچار ضعف و مشکلات فراوان سیاسی بودند و بنی‌عباس در پوشش شعارهای حمایت از خاندان پیامبر صلی الله علیه و آله و گرفتن انتقام از بنی‌امیه، با آنان می‌جنگیدند. در چنین شرایطی بود که هر دو گروه در عمل نمی‌توانستند بر امام علیه السلام و شیعیان فشاری وارد کنند. این عامل فرصتی طلایی برای امام علیه السلام به وجود آورد تا به مرزبانی از دین و نشر معارف و حقایق اسلام بپردازد.

## ۲. دوران شور و شوق فکری و علمی

در عصر امام صادق علیه السلام، جنبش فکری و شور و شوق علمی بی‌سابقه‌ای در جامعه پدید آمده بود. علوم اسلامی مانند تفسیر، علم حدیث، علم فقه و علوم بشری مانند طب، فلسفه و ریاضیات مورد بحث و کاوش قرار می‌گرفت. این جنبش فکری، عوامل متعددی داشت که از مهم‌ترین آن‌ها می‌توان به تشویق اسلام به علم‌آموزی و تفکر و نیز مواجهه دانشمندان مسلمان با اهل کتاب و فلسفه یونان اشاره کرد.<sup>۱</sup> مواجهه با اندیشمندان سایر ادیان، موجب تضارت آرا و ایجاد شبهات و پرسش‌های فراوانی در سطح جامعه شد. امام صادق علیه السلام در چنین فضایی فعالیت‌های روشمندی را ارائه نمود که بسار موفق و تأثیرگذار بود.

## روش‌های امام صادق علیه السلام در مرزبانی از دین

امام صادق علیه السلام برای تبیین اسلام ناب محمدی، تعمیق و گسترش آن و نیز پاسخ به پرسش‌ها و شبهات، روش‌ها و رویکردهای مختلفی داشت که می‌توان از آن‌ها به عنوان «فعالیت علمی و جهاد فرهنگی» یاد کرد. در اینجا به بخشی از آن‌ها اشاره می‌شود:

### ۱. تأسیس حوزه علمیه و تربیت شاگردان

از آنجا که در زمان امام صادق علیه السلام شور و هیجان خاصی برای فهمیدن و تحقیق کردن

۱. مرتضی مطهری؛ مجموعه آثار؛ ج ۱۸، ص ۸۰ و ۸۱.

در میان مسلمانان ایجاد شده بود، لازم بود شخصی همانند امام صادق علیه السلام این جبهه را رهبری کند و عرصه تعلیم و ارشاد خود را بگستراند و در قالب دهها هزار حدیث به بیان و حل معضلات علمی، مسائل عقیدتی، فقهی، سیاسی، احکام و اخلاق بپردازد.<sup>۱</sup> امام علیه السلام با توجه به فرصت به وجود آمده و با در نظر گرفتن نیاز شدید جامعه، حوزه علمی بزرگی را تأسیس کرد که امروز از آن به عنوان «دانشگاه بزرگ جعفری» یاد می‌شود. مرکز این حوزه علمی مدینه و محل تدریس امام علیه السلام، مسجد النبی صلی الله علیه و آله بود. آن حضرت شاگردان مستعد خود را بر اساس علاقه و استعدادشان در رشته‌های مختلف علوم عقلی و نقلی، متخصص و صاحب‌نظر تربیت می‌کرد؛ شاگردانی همچون هشام بن حکم، محمد بن مسلم، ابان بن تغلب، هشام بن سالم، مؤمن طاق، مفضل بن عمر و جابر بن حیان. مورخان تعداد شاگردان حضرت را بالغ بر چهارهزار نفر نوشته‌اند.<sup>۲</sup> البته این چهار هزار نفر نه در یک زمان، بلکه به نوبت از محضر امام علیه السلام علم فرا گرفته و حدیث نقل کرده‌اند.

شاگردان امام صادق علیه السلام نه از یک گروه خاص، بلکه افرادی از نقاط مختلف و از قبایل گوناگون و حتی از اهل سنت نیز بودند؛ چنانکه ابوحنیفه، پیشوای اهل سنت به مدت دو سال در محضر امام علیه السلام شاگردی کرد. او در این باره می‌نویسد: «لَوْلَا سَنَّتَان لَهْلَكَ نُعْمَانٌ؛<sup>۳</sup> اگر آن دو سال نبود، نعمان (ابوحنیفه) هلاک می‌شد». وی درباره دانش امام صادق علیه السلام می‌نویسد: «مَا رَأَيْتُ أَفْقَهَ مِنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ؛<sup>۴</sup> فقیه‌تر و داناتر از جعفر بن محمد ندیدم». مالک بن انس، یکی دیگر از پیشوایان اهل سنت که از محضر امام علیه السلام بهره برده است، می‌نویسد: «او از بزرگان و اکابر عبّاد و زهاد بود و از کسانی بود که دلش سرشار از خوف و خشیت الهی بود. او حدیث پیغمبر را زیاد می‌دانست. خوش محضر و مجلس‌اش پرفایده بود». وی همچنین می‌نویسد: «او دائماً در یکی از این سه حالت بود: یا در حالت روزه، یا در حالت نماز و یا در حالت ذکر». عده‌ای از رجال علمی عامه مانند سفیان ثوری، قاضی سکونی و قاضی ابوالبختری نیز از

۱. ر.ک: همان، ص ۴۷.

۲. مهدی پیشوایی؛ سیره پیشوایان؛ ص ۳۵۶ و ۳۵۷.

۳. اسد حیدر؛ الامام الصادق علیه السلام و المذاهب الاربعه؛ ج ۱، ص ۵۸.

۴. همان، ص ۱۶۶.

شاگردان حضرت بودند.<sup>۱</sup> محمد بن عبدالکریم شهرستانی، از علمای بزرگ اهل تسنن می‌گوید: «امام صادق علیه السلام دارای علم فراوان، حکمت کامل، زهد در دنیا و ورع از شهوات بود».<sup>۲</sup> بر این اساس تأسیس حوزه علمیه و تربیت شاگردان مکتب امام صادق علیه السلام به گونه‌ای در نشر، پویایی و بالندگی فقه شیعه و گسترش معارف اسلامی تأثیرگذار بود که اکنون «مذهب شیعه» به عنوان «مذهب جعفری» شناخته می‌شود و در حوزه‌های علمیه احادیث به جای مانده از امام باقر علیه السلام و امام صادق علیه السلام که بیشترین حجم احادیث شیعه در ابعاد مختلف زندگی بشری است، تعلیم داده می‌شود. امام صادق علیه السلام با اتخاذ این روش‌ها توانست اسلام اصیل را برای همیشه مرزبانی نماید. استاد شهید مطهری رحمته الله علیه در این باره می‌نویسد:

هر کس امام صادق علیه السلام را می‌شناسد، آن حضرت را با حوزه و مدرسه‌ای عظیم و پرنفع و ثمر که آثارش هنوز باقی و زنده است، می‌شناسد. حوزه‌های علمیه امروز شیعه، امتداد حوزه آن روز حضرت است.<sup>۳</sup>

## ۲. تشکیل مناظرات علمی

دوران زندگانی امام صادق علیه السلام، دوران برخورد اندیشه‌ها و پیدایش فرق و مذاهب مختلف بود. منکران دین و خدا با پوشش مباحث علمی، ایمان مردم را نشانه گرفته بودند؛ از این رو امام صادق علیه السلام با سران و پیروان سایر مذاهب مناظره‌هایی را انجام می‌داد. زنداقه و دهریین آن روزگار مانند ابن ابی‌العوجاء و ابوشاکر دیصانی، بزرگان معتزله همچون عمرو بن عبید و واصل بن عطا و نیز فقهای بزرگی مانند ابوحنیفه و متصوفه به حضور آن حضرت و شاگردانش می‌رسیدند و پرسش‌های خود را مطرح، و پاسخ‌های کاملی را دریافت می‌کردند.<sup>۴</sup> مناظره‌های گوناگونی از امام علیه السلام و شاگردانش نقل شده است که به یک نمونه از آن‌ها اشاره می‌شود: هشام بن سالم می‌گوید:

۱. سید محمدحسین طباطبایی؛ شیعه‌شناسی؛ ص ۲۱۹.

۲. محمد بن عبدالکریم شهرستانی؛ الملل و النحل؛ ج ۱، ص ۱۹۴.

۳. مرتضی مطهری؛ مجموعه آثار؛ ج ۱۸، ص ۳۷.

۴. محمدباقر مجلسی؛ بحارالانوار؛ ج ۱۰، ص ۲۲.

روزی با گروهی از یاران امام علیه السلام در محضر آن حضرت نشسته بودیم که مردی شامی اجازه ورود خواست و پس از کسب اجازه وارد مجلس شد. امام علیه السلام فرمود: «چه می‌خواهی؟». مرد شامی گفت: «شنیده‌ام شما به تمام پرسش‌ها و مشکلات مردم پاسخ می‌گویید. آمده‌ام با شما بحث و مناظره کنم». امام علیه السلام فرمود: «در چه موضوعی؟». مرد شامی گفت: «درباره کیفیت قرائت قرآن». امام علیه السلام به حمران فرمود: «جواب این شخص با توست». مرد شامی گفت: «من می‌خواهم با شما بحث کنم، نه با حمران». امام علیه السلام فرمود: «اگر حمران را محکوم کردی، مرا محکوم کرده‌ای». مرد شامی با حمران وارد بحث شد. هر چه می‌پرسید، پاسخی قاطع می‌شنید تا اینکه بسیار ناراحت و خسته شد. امام علیه السلام فرمود: «حمران را چگونه دیدی؟». مرد شامی گفت: «حمران خیلی زبردست است. هر چه پرسیدم، به نحو شایسته‌ای پاسخ داد. اکنون می‌خواهم درباره لغت و ادبیات عرب با شما بحث کنم». امام علیه السلام به ابان تغلب فرمود: «با او مناظره کن». ابان نیز او را مجاب و محکوم کرد. مرد شامی گفت: «می‌خواهم درباره فقه با شما بحث کنم». امام علیه السلام به زراره فرمود: «با او مناظره کن». زراره نیز با او به بحث پرداخت و به سرعت او را به بن‌بست کشاند. مرد شامی گفت: «می‌خواهم درباره کلام با شما مناظره کنم». امام علیه السلام به مؤمن طاق دستور داد با او مناظره کند و طولی نکشید که مرد شامی از مؤمن طاق نیز شکست خورد. به همین ترتیب وقتی مرد شامی از امام علیه السلام درخواست کرد تا درباره قدرت و توانایی انسان بر انجام یا ترک خیر و شر، توحید و امامت با امام علیه السلام مناظره کند، آن حضرت به حمزه طیار، هشام بن سالم و هشام بن حکم دستور داد با وی به مناظره بپردازند و هر سه با دلایل قاطع و منطقی کوبنده، مرد شامی را محکوم کردند. امام علیه السلام با مشاهده این صحنه هیجان‌انگیز، خنده‌ای شیرین بر لبان مبارکش نقش بست.<sup>۱</sup>

در واقع امام صادق علیه السلام از طریق مناظره ضمن دفاع از حریم دین، شاگردان توانمند خود را در مقام مرجعیت فقهی و علمی به مسلمانان و شیعیان معرفی کرد و از مردم انتظار داشت که در مسائل عقیدتی و دینی تنها به این گروه از عالمان برجسته و باتقوا مراجعه کنند. امام علیه السلام بزرگانی مانند زراره (ابوالحسن بن اعین) را در مقام

۱. محمد بن حسن طوسی؛ اختیار معرفة الرجال؛ ج ۲، ص ۵۵۴.

مرجع علمی و فقهی به مردم معرفی کرد؛ کسی که دهها اندیشمند، فقیه و محدث گرد او حلقه زده بودند. ابن ابی یعفور، یکی از اندیشمندان اسلام می‌نویسد: «من و معاصرین‌ام در کنار زراره همچون کودکانی بر گرد معلم بودیم»<sup>۱</sup>. بر اساس همین رویکرد است که دانشمندان علوم دینی، مفسران، متکلمان و فقهای عظام تقلید در طول تاریخ تشیع تا کنون، با جهاد علمی و عملی خود معارف اصیل اسلامی را به جامعه مسلمانان عرضه داشته و آنان را از انحرافات و کج‌روی‌های فکری و عقیدتی حفظ کرده‌اند.

### ۳. اتخاذ سیاست تقیه

امام صادق علیه السلام در برخورد با حاکمان اموی و عباسی، استراتژی واحدی داشت. از منظر امام علیه السلام حاکم اسلامی باید عالم به احکام دین، عادل و باتقوا و از نظر علمی و معنوی، شبیه‌ترین مردم به رسول خدا صلی الله علیه و آله باشد تا بتواند احکام و معارف دینی را در جامعه تحقق بخشد؛ این در حالی است که هیچ یک از حاکمان اموی و عباسی دارای چنین شرایطی نبودند. از این رو امام صادق علیه السلام با توجه به اهمیت امامت و ولایت و نقش آن در نگهداری و برپایی دین، به آموزش یاران و شاگردان خویش پرداخت تا با این امر ضمن اثبات عدم لیاقت حاکمان عصر برای رهبری، از تحریف دین و باورهای دینی جلوگیری کند؛ چنانکه فرمود: «بُنِيَ الْإِسْلَامُ عَلَى خَمْسٍ عَلَى الصَّلَاةِ وَالزَّكَاةِ وَالصَّوْمِ وَالْحَجِّ وَالْوَلَايَةِ؛ اسلام بر پنج اصل استوار است: نماز، روزه، زکات، حج و ولایت». زراره می‌گوید از حضرت پرسیدم کدام یک از این‌ها از همه مهم‌تر است؟ حضرت فرمود: «الْوَلَايَةُ أَفْضَلُ لِأَنَّهَا مُفْتَاخُهُنَّ وَالْوَالِي هُوَ الدَّلِيلُ عَلَيْهِنَّ»<sup>۲</sup>؛ ولایت؛ زیرا ولایت کلید اصول دیگر است و والی است که مردم را به اصول دیگر هدایت می‌کند».

امام علیه السلام بر مبنای این راهبرد اساسی در مواجهه و واکنش با فضای موجود، تاکتیک و سیاست «تقیه» را برگزید تا از این طریق تشیع و نخبگان علمی و فرهنگی شیعه را از خطر نابودی و انقراض و یا انحراف حفظ کند. البته اتخاذ این رویکرد و سیاست به

۱. حمید احمدی؛ تاریخ امامان شیعه؛ ص ۱۹۱.

۲. محمد بن یعقوب کلینی؛ الکافی؛ ج ۲، ص ۱۸.

امام صادق علیه السلام اختصاص ندارد و «امامان شیعه علیهم السلام از عصر امام چهارم به بعد در بازسازی، هویت‌بخشی و استحکام پایه‌های معرفتی و حقوقی شیعه، نیازمند ایمن‌سازی شیعیان و حساس نکردن حکومت بودند»<sup>۱</sup> زیرا تقیه به معنای پنهان کردن عقاید یا رفتار و عمل دینی است تا دین و پیروان آن در شرایطی که خطر کشته یا دستگیر شدن و یا اذیت و آزار آنان وجود داشته باشد، از خطر دشمن حفظ شوند.<sup>۲</sup> در واقع «تقیه، مخفی نمودن حق از دیگران یا اظهار خلاف آن است؛ به جهت مصلحتی که مهم‌تر از مصلحت اظهار آن باشد».<sup>۳</sup> امام صادق علیه السلام بر ضرورت پنهان نگه داشتن برخی عقاید، علوم و رازهای باطنی دین که همان ولایت الهی است،<sup>۴</sup> تأکید داشت و به برخی از شیعیان توصیه می‌کرد از آشکار کردن عبادت شیعی نیز اجتناب کنند. اگر چه این مسائل جنبه عقیدتی داشت، اما نباید از ابعاد سیاسی آن غفلت کرد. اعتقاد به ولایت و امامت اهل بیت علیهم السلام، به معنای سلب مشروعیت از حاکمان وقت بود و این دیدگاه برای حکومت خطری جدی به شمار می‌آمد.<sup>۵</sup>

#### ۴. مبارزه با غلو و غالیان

غلو غالیان در عصر امام صادق علیه السلام، رشد چشم‌گیری پیدا کرد و ضمن زیر سؤال بردن جایگاه اهل بیت علیهم السلام، مردم را در تشخیص شیعیان واقعی از غیر آن دچار مشکل کرد؛ زیرا عقاید غلات با معارف اهل بیت علیهم السلام همسویی نداشت. رفتار آنان نیز با رفتار شیعیان واقعی، متضاد بود. از این رو امام صادق علیه السلام در کنار فعالیت‌های علمی دیگر، با غلات و غلوگرایی مبارزه نمود؛ زیرا هر گونه ارتباط و مراوده با غلات، اثرات سوء اعتقادی، اجتماعی و ... به دنبال داشت. از این رو برای حفظ شیعه اصیل و نهادینه کردن آن لازم بود امام صادق علیه السلام با آن‌ها مبارزه آشکاری را شروع، و افکار و نظریات باطل‌شان را از ساحت شیعه دور کند.<sup>۶</sup>

۱. همان، ص ۲۰۲.

۲. محمد بن علی صدوق؛ *الاعتقادات*؛ ص ۱۱۰.

۳. نعمت‌الله صفری فروشانی؛ *نقش تقیه در استنباط*؛ ص ۵۱.

۴. محمد بن یعقوب کلینی؛ *اصول کافی*؛ ترجمه سید جواد مصطفوی؛ ج ۲، ص ۴۸۸.

۵. حمید احمدی؛ *تاریخ امامان شیعه*؛ ص ۲۰۳.

۶. ر.ک: رسول جعفریان؛ *حیات فکری و سیاسی امامان شیعه*؛ ص ۲۵۷.

غلو به معنای زیاده‌روی و از حد گذشتن است.<sup>۱</sup> قرآن کریم می‌فرماید: «يَا أَهْلَ الْكِتَابِ لَا تَغْلُوا فِي دِينِكُمْ وَلَا تَقُولُوا عَلَى اللَّهِ إِلَّا الْحَقَّ؛<sup>۲</sup> ای اهل کتاب! در دین خود، غلو (و زیاده‌روی) نکنید و درباره خدا، غیر از حق نگوئید». متأسفانه در تاریخ اسلام همانند یهودیت و مسیحیت، عده‌ای ظهور کردند که به غالیان و اهل غلو مشهور شدند. دیدگاه اهل غلو را می‌توان از نگاه نظری و عملی بدین صورت بیان کرد:

- غالیان از نگاه نظری، به الوهیت و یا نبوت ائمه علیهم‌السلام و از جمله امام صادق علیه‌السلام اعتقاد دارند. آن‌ها به تناسخ (انتقال ارواح از بدنی به بدن دیگر در این دنیا) و حلول (حلول و ورود روح خدا در بدن ائمه علیهم‌السلام) نیز معتقدند؛ اگر چه گروه‌هایی از غالیان مانند مَفُوضَه، به الوهیت و یا نبوت امامان علیهم‌السلام معتقد نیستند.<sup>۳</sup>

- غالیان، از نظر عملی اهل اباحه هستند، خود را از شریعت بی‌نیاز می‌دانند و التزامی به انجام تکالیف دینی ندارند.<sup>۴</sup>

اوج فعالیت‌های غالیان در زمان امام صادق علیه‌السلام بود. آن‌ها احادیثی را با مضامین کفرآمیز جعل می‌کردند. برای مثال از امام صادق علیه‌السلام نقل می‌کردند که معرفت امام علیه‌السلام از نماز و روزه کفایت می‌کند و یا امام علیه‌السلام، خدای آسمان و خدای زمین است.<sup>۵</sup> در مذمت اصحاب وفادار امام علیه‌السلام و نفی افکار آنان مانند زراره بن اعین، حدیث جعل می‌کردند؛ در حالی که امام علیه‌السلام زراره را از مصادیق «السَّابِقُونَ السَّابِقُونَ» می‌دانست.<sup>۶</sup> از آنجا که غالیان زیر چتر دوستی اهل بیت علیهم‌السلام فعالیت می‌کردند، کارهایشان موجب ایجاد ذهنیت ناصواب در جامعه نسبت به آن حضرت و شیعیان می‌شد. از همین رو امام صادق علیه‌السلام با اعلام براءت و لعن غالیان،<sup>۷</sup> تبیین مقام امامت و لزوم ترک همنشینی با آن‌ها، به مبارزه با آنان پرداخت.

۱. محمد بن مكرم ابن منظور؛ *لسان العرب*؛ ج ۱۰، ذیل واژه.

۲. نساء: ۱۷۱.

۳. محمد بن حسن طوسی؛ *اختیار معرفة الرجال*؛ ص ۴۸۰، ۵۱۸ و ۵۵۵.

۴. همان، ص ۵۲۱.

۵. همان، ص ۳۲۵.

۶. همان، ص ۳۴۸.

۷. محمد بن عبدالکریم شهرستانی؛ *الملل و النحل*؛ ص ۱۴۴؛ محمد بن حسن طوسی؛ *اختیار معرفة*

*الرجال*؛ ص ۲۸۸، ۲۹۶ و ۴۱۰.



یکی از روش‌های تربیتی مؤثر، لزوم اجتناب از افراد منحرف است؛ کسانی که دوستی با آنان ممکن است تأثیر سوئی بر انسان داشته باشد؛ چنانکه در قرآن آمده است: «يَا وَيْلَتَا لَيْتَنِي لَمْ أَتَّخِذْ فُلَانًا خَلِيلًا \* لَقَدْ أَضَلَّنِي عَنِ الذِّكْرِ بَعْدَ إِذْ جَاءَنِي وَكَانَ الشَّيْطَانُ لِلْإِنْسَانِ خَذُولًا»<sup>۱</sup> ای وای بر من، کاش فلان (شخص گمراه) را دوست خود انتخاب نکرده بودم! او مرا از یادآوری (حق) گمراه ساخت، بعد از آنکه (یاد حق) به سراغ من آمده بود و شیطان همیشه خوارکننده انسان بوده است».

در این راستا امام صادق علیه السلام همواره شیعیان خود را از همنشینی با غالیان منع می‌کردند تا از عقاید باطل آنان متأثر نشوند و مردم نیز شیعیان را به جریان فاسد غالیان منتسب نکنند. همچنین بدین وسیله به عموم مردم اعلامی شود که غالیان مورد تأیید شیعیان نیستند. با این اقدام هوشمندانه امام علیه السلام شیعیان از جریان غلو جدا شدند و از خطر آن نجات یافتند. شیوه مبارزه امام صادق علیه السلام با غلو و غلات، گویای آن است که در شناخت اهل بیت علیهم السلام با پرهیز از هر گونه افراط و تفریط، باید اعتدال را رعایت کرد و ائمه علیهم السلام را نه از مقاماتی که دارند، بالاتر برد و به مقام خدایی رساند و نه مقاماتی را که در آیات و روایات برای آن‌ها بیان شده است، انکار کرد؛ چنانکه امام علی علیه السلام فرموده است: «هَلَكَ فِي رَجُلَانِ مُجِبِّ غَالٍ أَوْ مُبَغِضُ قَالَ»<sup>۲</sup> درباره من دو کس هلاک شدند: دوستی که از حد گذراند و دشمنی که از مقام فرو کشاند». آن حضرت به شیعیان سفارش می‌کرد که مواظب جوانان خویش باشند تا تحت تأثیر افکار و عقاید غلات قرار نگیرند: «جوانتان را از غلات دور نگاه دارید تا آنان را فاسد نکنند. غلات، بدترین خلق خدا هستند. از عظمت خدا می‌کاهند و بر بندگان او اثبات الوهیت می‌کنند»<sup>۳</sup>.

## ۵. تأسیس سازمان وکالت

یکی از روش‌های امام صادق علیه السلام برای تبلیغ اسلام اصیل و رهبری شیعیان، ایجاد سازمان وکالت و گماردن افراد قابل اعتماد خود در میان شیعیان بود. سازمان وکالت

۱. فرقان: ۲۸ و ۲۹.

۲. حسین بن محمد شریف الرضی؛ نهج البلاغه؛ تصحیح صبحی صالح؛ ص ۴۸۹.

۳. محمد بن حسن طوسی؛ الامالی؛ ص ۶۵۰: «اِحْذَرُوا عَلَيَّ شَبَابِكُمُ الْغُلَاةَ لَا يُفْسِدُونَهُمْ، فَإِنَّ الْغُلَاةَ شَرُّ خَلْقِ اللَّهِ، يُضَعِّزُونَ عَظْمَةَ اللَّهِ، وَيَدْعُونَ الرُّبُوبِيَّةَ لِعِبَادِ اللَّهِ، وَاللَّهُ إِنَّ الْغُلَاةَ شَرٌّ مِنَ الْيَهُودِ وَالنَّصَارَى وَالْمَجُوسِ وَالَّذِينَ أَشْرَكُوا».

با ایجاد شبکه ارتباطی گسترده و مردمی، به گونه‌ای پنهانی ارتباط شیعیان با امام علیه السلام را حفظ می‌کرد. امام علیه السلام در مناطق مختلفی مانند ری، قم، قزوین، آذربایجان، اهواز، خراسان، سبزوار، نیشابور و ... وکلایی داشتند. مسئولیت سازمان وکالت در حوزه‌های مالی، امنیتی، علمی، فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و خدماتی بود. اخذ وجوه شرعی و هدایا از مردم و تقدیم آن‌ها به امام علیه السلام یکی از رایج‌ترین فعالیت‌های کارگزاران سازمان بود.<sup>۱</sup> بر این اساس «سازمان وکالت» ضمن برقراری ارتباط شیعیان با امام علیه السلام و هسته مرکزی، به تبلیغ دین نیز می‌پرداختند.

۱. حمید احمدی؛ تاریخ امامان شیعه؛ ص ۲۰۵.

## فهرست منابع

۱. ابن منظور، محمد بن مکرم؛ *لسان العرب*؛ تصحیح جمال‌الدین میردامادی؛ چاپ سوم، بیروت: دار الفکر للطباعة و النشر و التوزیع - دار صار، ۱۴۱۴ ق.
۲. احمدی، حمید؛ *تاریخ امامان شیعه*؛ چاپ نهم، قم: دفتر نشر معارف، ۱۳۹۱ ش.
۳. پیشوایی، مهدی؛ *سیره پیشوایان*؛ چاپ اول، قم: مؤسسه امام صادق علیه السلام، ۱۳۷۲ ش.
۴. جعفریان، رسول؛ *حیات فکری و سیاسی امامان شیعه*؛ قم: انصاریان، ۱۳۸۱ ش.
۵. حیدر، اسد؛ *الامام الصادق علیه السلام و المذاهب الاربعه*؛ چاپ دوم، بیروت: دار الكتاب العربی، ۱۳۹۰ ق.
۶. شریف الرضی، حسین بن محمد؛ *نهج البلاغه*؛ تصحیح صبحی صالح؛ چاپ اول، قم: هجرت، ۱۴۱۴ ق.
۷. شهرستانی، محمد بن عبدالکریم؛ *الملل و النحل*؛ چاپ سوم، قم: الشریف الرضی، ۱۳۶۴ ش.
۸. صدوق، محمد بن علی؛ *الاعتقادات*؛ ارومیه: الصدر الرضوانی، ۱۳۸۰ ش.
۹. صفری فروشانی، نعمت‌الله؛ *نقش تقیه در استنباط*؛ چاپ اول، قم: بوستان کتاب، ۱۳۸۱ ش.
۱۰. طباطبایی، سید محمدحسین؛ *شیعه‌شناسی*؛ چاپ یازدهم، قم: دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۷۵ ش.
۱۱. طوسی، محمد بن حسن؛ *اختیار معرفه الرجال*؛ تحقیق محمدتقی فاضل میبدی و سید ابوالفضل موسویان؛ تهران: سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۸۲ ش.
۱۲. \_\_\_\_\_؛ *الامالی*؛ چاپ اول، قم: دارالثقافه، ۱۴۱۴ ق.
۱۳. کلینی، محمد بن یعقوب؛ *اصول کافی*؛ ترجمه سید جواد مصطفوی؛ تهران: دفتر نشر فرهنگ اهل بیت علیهم السلام، [بی تا].
۱۴. \_\_\_\_\_؛ *الکافی*؛ تصحیح علی اکبر غفاری و محمد آخوندی؛ چاپ چهارم، تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۴۰۷ ق.
۱۵. مجلسی، محمدباقر؛ *بحار الانوار*؛ چاپ دوم، بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۳ ق.
۱۶. مطهری، مرتضی؛ *مجموعه آثار*؛ قم: انتشارات صدرا، ۱۳۷۲ ش.